

بقیع و مشاهد آن در آثار سفرنامه‌نویسان غرب اسلامی

حمیدرضا مطهری^۱

چکیده

سفرنامه‌نویسان غرب جهان اسلام در کنار مطالبی مانند شرح حال عالمان و دانشمندان شهرها و تبیین وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی نواحی مختلف و نیز فرهنگ و آداب و رسوم سرزمین‌هایی که از آن گذر کرده‌اند، توجه خاصی به مشاهد حرمین، به‌ویژه بقیع، داشته‌اند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که نوع نگاه سفرنامه‌نویسان مغرب اسلامی به بقیع و مشاهد آن چگونه بوده و این مهم چه سان در آثار آنان ثبت شده است؟ در پاسخ باید گفت: یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی مورد توجه، مشاهد و نمادهای اسلامی بقیع بوده که به اشکال گوناگون در آثار آنان منعکس شده است. توصیف مقابر بزرگان اسلام در مناطق مختلف، به‌ویژه بقیع؛ و تبرک مردم به آنها و نیز چگونگی تزئین آنها از نکاتی هستند که این آثار بدان‌ها پرداخته‌اند. در این نوشتار ضمن اشاره به جایگاه و اهمیت سفرنامه‌ها نوع نگاه آنها به بقیع و مشاهد و مقابر را بررسی و تبیین خواهیم کرد. کلیدواژه‌ها: اهل بیت علیهم‌السلام، بقیع، مشاهد، سفرنامه، نماد، مغرب اسلامی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم‌السلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

(h.motahari@isca.ac.ir)

سفرنامه‌ها از مهم‌ترین منابع تاریخ اسلام، به‌ویژه تاریخ اجتماعی و فرهنگی، به شمار رفته و در مناطق غربی جهان اسلام از اهمیت مضاعفی برخوردار هستند. سفرنامه‌هایی که توسط ساکنان دانشمند آن مناطق نوشته شده، دربردارنده اطلاعات ارزشمندی از مناطق و مسیر آنان است. شهرت نام و آثار افرادی مانند ابن جبیر (۵۴۰-۶۱۴)، ابن بطوطه، ابن رشید (۶۵۷-۷۲۱)، تجیبی (۶۷۰-۷۳۰) و بلوی (۷۱۳-۷۸۰) خود گویای این حقیقت است. این آثار از جهات متعدد دارای اهمیت بوده و در تحقیقات تاریخی از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار هستند.

سفرنامه‌ها اطلاعات ارزشمندی از وضعیت علمی و فرهنگی، مذهبی و سیاسی و اقتصادی مناطق مختلف در اختیار خواننده قرار می‌دهند. سفرنامه‌ها گاهی اطلاعات ریز و جزئی از مسائل مختلف ارائه می‌کنند که در منابع دیگر نمی‌توان یافت. بیان وضعیت آب و هوایی، شرایط جغرافیایی، وسایل سفر، اماکن، راه‌ها، دریاها، کوه‌ها، مراکز علمی، زیارتگاه‌ها و اماکن مقدس از ویژگی‌های این آثار است.

درباره سفرنامه‌نویسان مغرب اسلامی نیز زیارت خانه خدا و قبر مطهر پیامبر ﷺ از مهم‌ترین انگیزه‌های نگارش سفرنامه‌ها بوده که در بسیاری از آنها نیز منعکس شده است. شاید از همین رو باشد که وضعیت شهرهای مذهبی و نیز آثار موجود در این شهرها به تصویر کشیده شده است. بلوی در این باره با اشاره به وجوب حج و سپاس از خداوند به خاطر آن و اینکه جزای حج مبرور بهشت است می‌گوید:

قَصَدْتُ بِهٖ ضَبْطُ مَوَارِدِ الرِّحْلَةِ الْحِجَازِيَّةِ وَ ذِكْرِ مَعَاهِدِ الْوَجْهَةِ الْمَشْرِقِيَّةِ
(بلوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۲)

قصد کردم تا در این کتاب محل‌های ورود را در سفر حجاز ثبت، و مؤسسات مقصد را در مناطق شرقی ذکر کنم.

وی در پایان کتابش نیز ضمن اعتراف به نقصان اعمال خود خدا را به حق پیامبر ﷺ و خاندانش می خواند و از او می خواهد تا حش را بپذیرد. (همو، ج ۲، ص ۱۵۷) مهم ترین انگیزه ابن جبیر هم از سفر انجام فریضه حج بوده است. تجیبی هم به سفر حج خود اشاره کرده و حرکت خود برای حج را علت ملاقات نکردن برخی از دانشمندان قاهره بیان کرده و از ملاقات آنها بعد از بازگشت از حج خبر داده است. (تجیبی، ۱۹۷۵، ص ۱۵)

یکی از مهم ترین ویژگی های سفرنامه ها، که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، توجه به فرهنگ و نمادهای اسلامی، توصیف و تبیین مکان های مقدس و مورد احترام مسلمانان، به ویژه بقیع، است. اهمیت این مهم زمانی بیشتر می شود که نشان می دهد کارهایی همانند ساختن بارگاه بر مزار بزرگان، برجسته کردن قبور آنان و زیارتشان در بقیع از دیرباز مرسوم بوده و آنچه امروزه از جانب وهابیون به عنوان مظاهر شرک تلقی شده و دیگر مسلمانان را بدان ها مورد اذیت و آزار و اهانت قرار می دهند، سال های متمادی توسط مسلمانان انجام می شده است.

نگاه ویژه به خاندان پیامبر ﷺ و تکریم و توسل به آنان و تبرک به اماکن منسوب به ایشان در سفرنامه ها به خوبی دیده می شود؛ به گونه ای که نه تنها بقیع، بلکه دیگر اماکن منسوب به اهل بیت ﷺ نیز مورد توجه آنان واقع شده است. توصیف مکان های مقدس مورد احترام مسلمانان در مناطق مختلف از قاهره، دمشق، مشهد رأس الحسین ﷺ، مرقد حضرت زینب ﷺ مرقد سیده نفیسه و دیگر منسوبان به اهل بیت ﷺ در قاهره و از همه مهم تر مکه و اماکن متبرک آن، مانند محل تولد پیامبر ﷺ و حضرت زهرا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و مدینه (به ویژه بقیع و مقبره های آن) بیان حضور مردم در آنجا و تبرک و توسل جستن به آنهاست.

نوشتار حاضر بر آن است تا جایگاه بقیع در سفرنامه های نویسندگان غرب جهان اسلام را بررسی کرده و چگونگی انعکاس آن و نیز نوع رفتار مسلمانان در این مکان مقدس را در این آثار تبیین کند.

درباره پیشینه این پژوهش، تحقیق مستقلی که به این موضوع پرداخته باشد، نیافتیم؛ اما در برخی کتاب‌ها به تناسب موضوع به آن اشاره شده است که از جمله آنها کتاب *اهل بیت علیهم السلام در آثار دانشمندان اندلس* به قلم راقم این سطور است.

مفهوم‌شناسی

بقیع: بقیع از ماده بقع به زمینی گفته می‌شود که با زمین‌های مجاور متفاوت باشد و نیز زمینی که درختان و بوته‌های آن پراکنده است (فراهیدی، ص ۱۸۴)^۱ و در اصطلاح منابع اسلامی به قبرستان مدینه گفته می‌شود که به علت رویش درختی به نام غرقد در آن به بقیع الغرقد هم معروف است. (همان؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۴۶)

سفرنامه: ترجمه الرحله، به معنای سفر، کوچ و مسافرت است، این واژه در اصطلاح به معانی متعددی به کار رفته است. سفرنامه نوعی گزارش است که نویسنده در آن مشاهدات خود را از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهرها و مناطقی که به آنها مسافرت کرده و نیز شخصیت‌ها، بناهای تاریخی، مساجد، کتابخانه‌ها، آداب و رسوم ملی و مذهبی، جمعیت، آب و هوا و زبان مناطقی که بازدید کرده را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. (آئینه‌وند و گراوند، زمستان ۱۳۹۰، ص ۲ و ۳). سفرنامه‌ها به حسب محتوا به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. (ر.ک: همان)

مغرب اسلامی: مورخان و جغرافیدانان مسلمان سرزمین‌های شمال آفریقا در غرب مصر تا اقیانوس اطلس را مغرب اسلامی می‌نامند. این منطقه به سه قسمت مغرب نزدیک (ادنی)، مغرب میانی (اوسط) و مغرب دور (اقصى) تقسیم شده و شامل کشورهای لیبی، تونس، الجزایر مغرب (مراکش) و موریتانی می‌شود. (ناصری طاهری، ۱۳۸۵، ص ۳) برخی نیز همه سرزمین‌های

۱. ر.ک: بقیع، دانشنامه حج و حرمین، ج ۴، ص ۱۵۶.

بعد از مصر را مغرب اسلامی یا غرب اسلامی گفته‌اند که در این پژوهش نیز همین معنا مورد نظر است.

توصیف بقیع و بیان موقعیت جغرافیایی آن

یکی از نکات مورد توجه سفرنامه‌نگاران توصیف موقعیت جغرافیایی بقیع و نیز جهت و جایگاه مراقد مختلف بقیع است. ابن بطوطه درباره موقعیت جغرافیایی بقیع می‌گوید: «در شرق مدینه منوره قرار دارد و راه آن از دروازه‌ای است که به باب البقیع مشهور است». وی در توصیف مقابر بقیع نیز موقعیت جغرافیایی آنها را بیان کرده است. (ابن بطوطه، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۸) او درباره مقبره عباس بن عبدالمطلب می‌گوید: «این مقبره در سمت راست دروازه بقیع واقع شده است». (همان‌جا)

عبدری نیز بقیع را در شرق مدینه معرفی کرده است. (عبدری، ص ۴۲۳) ابن رشید نیز اگر چه به موقعیت کلی بقیع در مدینه اشاره نکرده اما محل قبور برخی مدفونان در بقیع را معلوم کرده و حتی نام آن محل را آنگونه که در منابع متقدم آمده، ذکر کرده است؛ چنان که قبر عثمان را در انتهای بقیع و در مکانی به نام حش کوبک و قبر فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علیه السلام را در کنار قبر عثمان و زیر یک قبه دانسته است. (ابن رشید، ۱۹۸۸، ص ۱۹)

قبور صحابه و تابعان

در سفرنامه‌ها به قبر هر کدام از صحابه و تابعان، با بیان جزئیات، اشاره شده است. اگرچه نمی‌توان نشان صریحی از تأثیر علاقه مذهبی در این گزارش‌ها دید، اما نمی‌توان اعتقاد و باور و مذهب افراد را نادیده گرفت؛ بلکه این عامل نقش مهمی در نام بردن از مقابر و مزارات بقیع دارد؛ چنان که بعضی افراد از چهار امام شیعه هیچ نامی نبرده و برخی آنها را با همان اسامی و القاب مورد توجه شیعیان (سجاد، باقر و صادق) ذکر کرده‌اند. برای مثال عبدری علی‌رغم آنکه بر وجود مزارهای شریف فراوانی از صحابه و تابعان و عالمان و صالحان

در بقیع تصریح می‌کند و از وجود بنا و گنبد بر آنها خبر می‌دهد؛ اما هیچ اشاره‌ای به افراد مدفون در کنار آنها ندارد (عبدری، ص ۴۲۳).

ابن بطوطه فقط از قبر امام مجتبی علیه السلام در کنار قبر عباس بن عبدالمطلب نام برده (ابن بطوطه، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۹) او در ادامه به دیگر مدفونان در در بقیع پرداخته و می‌گوید: «اولین چیزی که در بقیع جلب توجه می‌کند قبر صفیه عمه پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر زبیر است که در سمت چپ قرار دارد». (همان، ۱۴۰۷، ص ۱۳۸) او در ادامه به قبر مالک بن انس، فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و تنها سه تن از افراد شاخص اشاره می‌کند و سپس به مقابر همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد و سپس به مقبره عثمان و قبر فاطمه بنت اسد اشاره می‌کند. البته خود تصریح دارد که مزار بسیاری از صحابه و تابعان در این قبرستان شناخته شده نیست؛ اما عجیب است که از افراد مشهوری چون امام سجاده علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، که قبرشان با نام و نشان معلوم و در مقبره عباس قرار دارند، نام نمی‌برد.

مقابر (بقاع) بقیع

یکی از مهم‌ترین نکات مطرح در سفرنامه‌های مغربیان، که می‌تواند پاسخی بر سخنان و باورهای امروز جریان‌های تکفیری باشد، وجود ساختمان و بارگاه‌های متعدد در بقیع بر مراقد صحابه و بزرگان مسلمین است؛ چنان که عبدری با اشاره به قبر صحابه و تابعان و دانشمندان در بقیع از وجود بنا و گنبد بر بیشتر آنها خبر داده است. او در توصیف مقابر بقیع از سه مقبره نام می‌برد و به توصیف دو مورد از آنها می‌پردازد. عبدری با نام بردن از مقبره عثمان، عباس بن عبدالمطلب و مالک بن انس می‌گوید:

در هر مقبره‌ای عده‌ای از صحابه قرار دارند، غیر از مقبره مالک که قبر او در بنایی قرار دارد که برای غیر او جایی نیست (یعنی به دلیل کوچک بودن آن، قبر دیگری در آن وجود ندارد) و ارتفاع آن تا سینه انسان و بالای آن مسطح و با سنگریزه‌هایی فرش شده است.

عبدری توجه و ارادت ویژه‌ای به مالک نشان داده و در توصیف مقبره او دقت بیشتری داشته و حتی به قبر او تبرک می‌جوید. او در توصیف مقبره مالک ضمن بیان کیفیت و اندازه و ویژگی‌های آن از سنگ‌نوشته‌ای در این مقبره یاد کرده که بر آن تاریخ ولادت و درگذشت مالک حک شده است. وی در انتها از برداشتن سنگریزه قبر او برای تبرک سخن گفته است. (عبدری، ص ۲۳۴)

عبدری مقبره عثمان را از مشهورترین و محکم‌ترین مقابر بقیع دانسته و بنای آن را وسیع، مرتفع، مستحکم و زیبا معرفی کرده، ولی درباره مقبره عباس فقط به ذکر نام آن بسنده کرده و نه تنها هیچ توصیفی درباره آن ندارد، بلکه در محل آن هم اشتباه کرده و آن را نزدیک قبر عثمان دانسته که درست نیست. او همچنین نامی از امام مجتبی علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نبرده و از فاطمه بنت اسد؛ مادر امیرالمؤمنین علیه السلام، نیز یاد نکرده است. (همان‌جا)

ابن بطوطه در زیارت خود از بقیع بدان‌ها اشاره کرده و نوع و رنگ آنها را نیز توصیف می‌کند. او مقبره مالک بن انس را دارای قبه کوچکی دانسته که در نزدیکی قبر صفیه قرار دارد و سپس به قبر ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کرده و قبه آن را سفیدرنگ معرفی کرده است. وی با نام بردن از قبر برخی دیگر، مانند عبدالرحمن بن عمر بن خطاب، عقیل بن ابی طالب و عبدالله بن جعفر طیار به قبر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد و می‌گوید در مقابل آنها مقبره‌ای قرار دارد که در آن قبور امهات المؤمنین (همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله) قرار دارد و بعد از آن مقبره دیگری است که در آن قبر عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، و حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. ابن بطوطه ساختمان آن را بلند و مرتفع و مستحکم توصیف کرده و درباره قبر امام مجتبی علیه السلام می‌گوید: «سر حسن بن علی در پایین پای عباس قرار دارد». (ابن بطوطه، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۹)

یک نکته مهم در توصیف این قبور مطهر آنکه ابن بطوطه از بالا بودن سطح آنها خبر داده و می‌گوید: «قبر هر دو بزرگ و بالاتر از سطح زمین است». (همان، ۱۴۰۷، ص ۱۳۹)

یکی از مهم‌ترین نکاتی که درباره گزارش ابن بطوطه از اهمیت بسزایی برخوردار است، اشاره به تزئین و چگونگی مقبره این بزرگان است؛ چنان که درباره قبر امام مجتبی علیه السلام و عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله از تزئین آنها با چوب و فلز خبر داده و می‌گوید: «روی آنها را الواح چوبی، که با مهارت به وسیله صفحات برنجی تزئین شده‌اند، قرار دارد». (همان، ص ۱۳۹)

دو نکته دیگر در گزارش ابن بطوطه قابل تأمل است: نخست آنکه در گزارش او از مقبره عباس و امام حسن مجتبی علیه السلام هیچ اشاره‌ای به قبر مطهر دیگر امامان شیعه نیست و نامی از امام زین‌العابدین علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نمی‌برد. همچنین نامی از قبر حضرت زهرا علیها السلام به میان نمی‌آورد. او مقبره عثمان را دارای قبه‌ای بزرگ معرفی کرده و مکان آن را انتهای بقیع دانسته (همان‌جا) که با وضعیت و مکان فعلی بقیع متفاوت است. او محل قبر فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علیه السلام را نیز در نزدیکی مقبره عثمان بیان کرده است. (همان‌جا)

مقابر و مشاهد منسوب به اهل بیت علیهم السلام در بقیع

قسمت عمده‌ای از محتوای سفرنامه‌های سفرنامه‌نویسان غرب جهان اسلام به توصیف مشاهد و مقابر بزرگان دینی، از جمله ائمه بقیع اختصاص یافته است؛ برای نمونه ابن جبیر در اثر معروفش، *رحله ابن جبیر*، پس از توصیف اماکن مقدس و زیارتی در مسیر حجاز به مکه، به شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و اماکن متبرکه آن پرداخته است. او در توصیف بقیع از مقبره و بارگاه‌های متبرک معصومان و منسوبان به پیامبر صلی الله علیه و آله نام می‌برد؛ اما وی تنها از مرقد امام حسن علیه السلام در کنار قبر عباس یاد می‌کند و از دیگر امامان و حتی از قبر حضرت زهرا علیها السلام نامی نمی‌برد. البته او در کنار مقبره عباس از بیت الاحزان یاد کرده و می‌گوید:

در کنار قبه عباسیه خانه‌ای است که به فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله منسوب است و به بیت الحزن شناخته می‌شود و گفته شده او به آنجا می‌رفت و برای رحلت پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله گریه می‌کرد (ابن جبیر، ۱۹۸۴، ص ۱۷۴).

نام نبرد از قبر حضرت زهرا علیها السلام در بقیع می‌تواند نشان دهنده آن باشد که او قبوری را که اهل سنت به نام حضرت زهرا علیها السلام می‌شناسند، قبول نداشته است. بلوی نیز ضمن توصیف مکان‌های بین راه، به حجاز و مکه و مدینه پرداخته است. او ضمن اشاره به قبر برخی از صحابه و بزرگان مدفون در بقیع و منسوبان پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، دختران، عمه‌ها و همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله، از روضه عباس بن عبدالمطلب (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله) یاد کرده که در آن قبر او و قبر حسن بن علی علیهما السلام وجود دارد و هر دو قبر را بلندتر از سطح زمین توصیف می‌کند و از آراستگی حرم آنان با زیورهای خبر می‌دهد. (بلوی، بی‌تا، ص ۲۸۹) نکته جالب آن است که او نیز از قبر فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در این مکان یا در نزدیکی قبر عباس خبر نمی‌دهد. وی در ادامه روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده مبنی بر آنکه هر کس به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه برود و آنجا بمیرد، آن حضرت او را شفاعت می‌کند. (همان جا)

بلوی در بیان اماکن و آثار مکه از خانه خدیجه علیها السلام و مکان وحی و محل تولد فاطمه زهرا علیها السلام و نیز محل تولد رسول خدا صلی الله علیه و آله یاد کرده است (همان، بی‌تا، ص ۳۱۰-۳۱۱) نویسنده به خانه ابوطالب و محل تولد امیرالمؤمنین علیه السلام نیز اشاره کرده (همان، بی‌تا، ص ۳۱۲)؛ کاری که درباره دیگران انجام نداده است. در واقع تنها مکان‌های تولد خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و به صورت مشخص شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان کرده و به توصیف بناهای ویژه در آن مکان‌ها پرداخته است.

بلوی در توصیف اماکن گاه دچار اشتباه شده و شاید دیدگاه مذهبی او سبب نادیده گرفتن برخی مقابر بقیع و اشتباه در تطبیق شده باشد. اگر چه وی عنوانی به قبور اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده و در آن از قبر امام سجاده علیه السلام، قاسم بن محمد بن جعفر صادق علیهما السلام و فرزندش عبدالله یاد می‌کند (بلوی، بی‌تا، ص ۲۲۳)، اما برخی سخنان او مانند مکانی که به عنوان قبر امام سجاده علیه السلام معرفی کرده، درست نیست و شاید برگرفته از همان دیدگاه مذهبی یا اشتباه در تطبیق باشد و

آن را با فرزند امام سجاد علیه السلام، زید بن علی اشتباه گرفته باشد؛ زیرا به گفته برخی سر زید بن علی پس از شهادت در کوفه به مصر منتقل شد و محل دفن سر او به اشتباه به عنوان مدفن و مرقد علی بن الحسین معروف گردید؛ در حالی که قبر آن حضرت در بقیع قرار دارد. البته اطلاق نام اهل بیت بر علویان می‌تواند بیانگر دیدگاه او درباره مصداق اهل بیت باشد.

قلصادی نیز با توصیف اماکن منسوب به اهل بیت علیهم السلام از اماکن شریف مصر یاد کرده و پس از توصیف و تبیین آنها (قلصادی، ۱۹۷۸، ۱۳۸) به حجاز پرداخته است. وی درباره اماکن مکه می‌گوید: «محل تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و محل تولد علی علیه السلام و خانه آن حضرت را زیارت کردیم؛ همین‌طور محل تولد فاطمه علیها السلام و مکان وحی و نیز محل سجده و نماز پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت کردیم». (همان، ۱۹۷۸، ۱۳۹)

قلصادی در ادامه به زیارت بقیع و مقابر آن، از جمله مقام عباس، حسین و حمزه اشاره کرده است. (همان، ۱۹۷۸، ص ۱۴۶) البته در اینجا احتمالاً منظور او از حسین، امام حسن علیه السلام باشد و ممکن است نسخه‌نویسان در اینجا اشتباه کرده باشند. همین‌طور به اشتباه در اینجا از قبر حضرت حمزه یاد کرده؛ در حالی که قبر او در بقیع نیست و در احد قرار دارد. نکته مهم آن است که وی در بقیع از قبرهای دیگران یاد نکرده و مهم‌تر آنکه به حضرت زهرا علیها السلام نیز اشاره نکرده و این می‌تواند بیانگر دیدگاه او باشد که قبر آن حضرت را در آنجا ندانسته است.

ابن رشید فهری یکی دیگر از سفرنامه‌نویسان مغربی است که اثر معروف او به نام *ملء العیبه بما جمیع بطول الغیبه، فی الوجیهة الوجیهة* جایگاه ویژه‌ای نزد محققان تاریخ غرب جهان اسلام دارد. او برخلاف افرادی چون ابن جبیر و بلوی توجه چندانی به مظاهر شیعی ندارد؛ بلکه می‌توان گفت به نوعی نسبت به آنها بی‌تفاوتی نشان داده است. با این حال گاه الفاظی درباره آنها به کار می‌برد که یا برخاسته از جو علمی جامعه بوده یا ناشی از ضمیر ناخودآگاه اوست.

ابن رشید جلد پنجم کتاب خود را به حرمین شریفین و مصر و اسکندریه اختصاص داده است. وی در بیان ورود خود و همراهانش به مدینه از زیارت قبر پیامبر ﷺ و تعظیم و تکریم آن حضرت و نیز احترام خلیفه اول و دوم سخن گفته (ابن رشید، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۱۸) و سپس به زیارت بقیع پرداخته است. وی درباره بقیع به قبر عثمان اشاره کرده و موقعیت قبر او را در محلی به نام حش کوکب معرفی کرده است (همان، ۱۹۸۸، ص ۱۹) وی در این قسمت غیر از قبر فاطمه بنت اسد؛ مادر امیرالمؤمنین علیه السلام، به دیگر مشاهد شیعی اشاره ای نکرده است. او از زیارت قبر زنان و مردان صحابی و همین طور قبر انس بن مالک سخن گفته، اما اشاره ای به قبر امام حسن علیه السلام به عنوان نوه پیامبر ﷺ و دیگر امامان شیعی نکرده و حتی از قبر عباس (عموی پیامبر ﷺ) نیز یاد نکرده است. اما در کنار قبر عثمان به قبر فاطمه بنت اسد (مادر امیرالمؤمنین) اشاره کرده و از او با عنوان مادر امیرالمؤمنین علیه السلام، پسرعموی سیدالمرسلین علی بن ابی طالب علیه السلام یاد کرده و او را نخستین زن هاشمی معرفی کرده که فرزندی هاشمی به دنیا آورد.

نویسنده از هجرت فاطمه بنت اسد به مدینه و درگذشت او در آنجا خبر داده و اینکه پیامبر ﷺ او را اکرام و احترام فراوان کرد و لباس خود را بر او پوشاند و در قبر او خوابید و در پاسخ کسانی که از علت این همه احترام پرسیدند، فرمود: «هیچ کس بعد از ابوطالب از او به من مهربان تر نبود. لباس خود را به او پوشاندم تا از زیورهای بهشتی بر او پوشانده شود و در قبر او خوابیدم تا بر او آسان شود». (همان جا)

ابن رشید در این قسمت از گزارش خود خبری از منسوبان اهل بیت علیهم السلام ندارد؛ اما در قسمت دیگری از سفرنامه اش از بازگشت خود به مدینه بعد از مراسم حج خبر داده و از رفتن به بقیع برای تجدید زیارت سخن گفته و در آنجا از زیارت اصحاب پیامبر ﷺ، از جمله عباس و امام حسن علیه السلام، یاد می کند و در پایان از خداوند می خواهد که محبت مدفونین در بقیع برای او مفید باشد و همراه آنان محشور شود. (همان، ۱۹۸۸، ص ۲۷۶)

اگر چه این سخن او به امام حسن علیه السلام اختصاص ندارد و منظور او زیارت و محبت همه صحابه است، اما چنین بیان و درخواستی می تواند در ردّ ادعاهای وهابی های امروزی مؤثر باشد. البته ابن رشید چنین نکاتی را بارها درباره پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کرده است؛ از جمله آنکه می گوید:

مردم وقتی از مدینه خارج می شدند همواره سر خود را به سوی آن گردانده و دعا می کردند و بر پیامبر سلام می دادند تا زمانی که از دیده ناپدید می شد و می گفتند: «اللهم لاتجعلنا ممن نفته المدینة [...] ولاتجعله آخر العهد بزیارة سیدالبشر» (همان، ۱۹۸۸، ص ۲۷۷)

همچنین روایتی درباره زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که فرمود: «من زار قبري وجبت له شفاعة». (همان، ۱۹۸۸، ص ۳۲)

دیگر مکان های منسوب به اهل بیت علیهم السلام نیز در خارج بقیع و مدینه و حتی در خارج از حجاز مورد توجه رحالان مغرب زمین بوده و بدان ها با دیده تکریم نگریسته اند. در این راستا مصر و شام، به دلیل آنکه در مسیر حرکت آنان به سوی حجاز بوده، اهمیت خاصی در آثارشان داشته است. ابن جبیر در بیان آثار قاهره مشاهد متبرکه را آثاری توصیف می کند که به برکت آنها خداوند مصر را حفظ کرده است و سپس از مشهد رأس الحسین علیه السلام شروع می کند. او معتقد است که سر امام علیه السلام در همان جا دفن است^۱ و سپس به توصیف بنا و تزئینات آن می پردازد و ساختمان آنجا را معرفی می کند. (ابن جبیر، ۱۹۸۴، ص ۱۹)

ابن جبیر از زیارت قبر مبارک (محل دفن سر مقدس امام علیه السلام) و طواف مردم در اطراف آن و دست کشیدن مردم به پرده های آن و گریه و زاری و توسل آنان به خداوند متعال به برکت آن تربت مقدس خبر داده و در ادامه از خدا می خواهد تا به برکت این مشهد کریم آنها را منتفع گردانند. (همان، ۱۹۸۴،

۱. پیش از این هم اشاره شد که اگر چه مناطق متعددی به عنوان مکان دفن سر مطهر حضرت امام حسین علیه السلام ذکر شده است، اما به اعتقاد شیعیان و به گفته منابع متقدم و متعدد، سر مقدس آن حضرت به بدن مطهر ایشان در کربلا ملحق شده است.

ص ۲۰) وی بعدها و در توصیف دمشق نیز از مکانی با عنوان رأس الحسین علیه السلام یاد کرده است و می‌گوید: «سر مقدس امام در اینجا بوده و سپس به قاهره منتقل شده است». (همان، ۱۹۸۴، ص ۲۴۲)

قلصادی نیز از زیارت مسجد الحسین علیه السلام در قاهره سخن گفته و می‌گوید: «در آنجا مکان‌هایی که نزد آنان دارای عظمت فراوان بود زیارت کردیم که از جمله آنها مسجد الحسین علیه السلام بود». (قلصادی، ۱۹۷۸، ص ۱۲۸)

تجیبی (۶۷۰-۷۳۰ ق) هم به این مکان اشاره کرده و چنین می‌گوید: «یؤکدون ان هنالک دفن العضو الشریف الطاهر، رأس السید الحسیب النسب السعید الشهید ابی عبدالله الحسین، ابن امیر المؤمنین ابی الحسن، علی بن ابی طالب رضی الله عنهما، سبط نبی الله ابی القاسم المصطفی...». (تجیبی، ۱۹۷۵، ص ۸) وی در ادامه ضمن توصیف ساختمان و زیورهای آن از رفتن مردم برای زیارت این مشهد شریف یاد کرده و از دعا و گریه و زاری آنها برای طلب حاجت خبر داده و در نهایت می‌گوید: «والله ینفع الجمیع بنیاتهم». (همان، ۱۹۷۵، ص ۹) اگر چه نمی‌توان تجیبی را شیعه دانست، اما عبارات و واژه‌هایی که درباره امام حسین علیه السلام به کار می‌برد، بیانگر جایگاه والای آن حضرت نزد او است؛ به‌ویژه آنکه او توسل و دعا در این مکان را رد نکرده، بلکه با جملات پایانی به نوعی آن را تأیید کرده و دعا می‌کند خداوند آرزوی این افراد را برآورده سازد.

بلوی هم در سفرنامه خود در بیان اماکن مصر از مکان رأس الحسین علیه السلام نام برده و آن را با عظمت توصیف می‌کند و می‌گوید: «سر مقدس امام در تابوتی از نقره قرار دارد که ساختمان مستحکمی بر آن بنا شده و با تزئینات مختلف، مانند پارچه‌های گوناگون و شمع و قندیل‌هایی، آراسته شده است». (بلوی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۱) وی از جمعیت فراوان در آن مکان و تبرک جستن آنان و گریه و زاری آنان در آنجا یاد کرده است. (همان، بی تا، ص ۲۲۲)

ابن جبیر در بیان مشاهد و آثار مکه از مهم‌ترین آنها به خانه حضرت ام‌المؤمنین خدیجه علیه السلام اشاره می‌کند و از آن با عنوان محل نزول وحی و نیز

مکان تولد حضرت زهرا علیها السلام یاد کرده است؛ اما عجیب آن است که وی تولد امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را نیز در همین مکان می‌داند. (ابن جبیر، ۱۹۸۴، ص ۹۱ و ۱۴۲)؛ درحالی‌که این دو امام بزرگوار در مدینه متولد شده‌اند و اصل ازدواج آن حضرت در مدینه و در سال دوم هجرت بوده است. (بلاذری، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۴۰۲؛ ابن عبدالبر، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۱۸۹۳)

نکته مهم در این قسمت آن است که ابن جبیر پیش از نام بردن از حسنین علیه السلام، از آنان با عنوان سید جوانان اهل بهشت یاد کرده، می‌گوید: «و فیها ایضاً ولدت سیدی شباب اهل الجنة: الحسن والحسین علیه السلام». (ابن جبیر، ۱۹۸۴، ص ۹۱) ابن جبیر در جای دیگر نیز از این مکان با عنوان محل تولد حسنین علیه السلام یاد می‌کند. (همان، ۱۹۸۴، ص ۱۴۲) وی سپس از محل تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یاد می‌کند و از وجود مسجد مهمی در آنجا خبر داده و می‌گوید: «این مکان در ماه ربیع‌الأول پذیرای مردم زیادی است که برای تبرک وارد آن می‌شوند». البته وی تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دوم ربیع‌الاول ذکر می‌کند (همان، ۱۹۸۴، ص ۹۲) که بر خلاف نظر عامه مسلمانان است. ممکن است دوازدهم بوده باشد و در نسخه‌نویسی‌ها کلمه «عشره» آن حذف شده باشد.

توسل و تبرک به مدفونان در بقیع

یکی از مهم‌ترین مسائل میان مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، توسل به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که امروزه به عنوان دستاویزی علیه شیعیان به کار می‌رود و مخالفان اهل بیت علیهم السلام در حد تکفیر با آن مقابله می‌کنند؛ درحالی‌که این مهم از دیرباز در میان مسلمانان وجود داشته و در نقاط مختلف و در آثار دانشمندان بدان توجه می‌شده است. سفرنامه‌نویسان مغربی هم این نکته را در آثار خود ثبت کرده و برخی با عبارات خود به نوعی گرایش فکری خود را نیز نشان داده‌اند. توسل و تبرک و شفاعت‌جویی از مدفونان در بقیع به صورت ویژه مورد توجه سفرنامه‌نویسان بوده است.

ابن رشید سبّی از رفت و آمد مکرر خود به بقیع برای زیارت اصحاب رسول خدا ﷺ سخن گفته و ضمن دعا برای آنها از عباس (عموی پیامبر) و امام حسن بن علی علیه السلام و عثمان بن عفان نام می‌برد. اما نکته مهم در این کتاب، دعای او برای نفع بردن از محبت آنان و به واسطه آن است. وی در ادامه از خداوند درخواست می‌کند که در زمره آنان محشور شود و اینکه در مسیر آنان حرکت کند. (ابن رشید، ۱۹۸۸، ج ۵، ص ۳۱۸)

عبدری هم ضمن توجه به مقابر صحابه، تابعان و دانشمندان در توصیف مقبره مالک بن انس از تبرک به سنگریزه‌های قبر او و برداشتن تعدادی از آنها برای تبرک سخن گفته است. (عبدری، ص ۴۲۳)

تجیبی نیز در توصیف مشهد رأس الحسین علیه السلام از تبرک مردم به آن و تضرع آنان برای درخواست حاجت‌هایشان سخن گفته و در انتها با عبارت «والله تعالی ینفع الجميع بنیاتهم» (تجیبی، ۱۹۷۵، ص ۹) به نوعی رفتار آنها را تأیید کرده است.

قلصادی درباره مدینه با توصیف حرم شریف و تجلیل آن از زیارت قبر شریف نبوی و درود فرستادن بر آن حضرت سخن گفته و می‌گوید: «هیچ کس را نمی‌بینی مگر آنکه در حال خواندن یا درخواست یا راغبانی در حال تواضع در برابر خداوند بلندمرتبه و در حال توسل به حبیب اوست» و در ادامه شعر ذیل را به عنوان زبان حال آنان آورده است:

یا خیر من دفت فی التراب اعظمه	فطاب من طیبهن القاع و الأکم
انت النبی الذی ترجی شفاعته	عند الصراط اذا ما زلت القدم
نفسی فداء للقبر انت ساکنه فیه	العفاف و فیه الجود و الکرّم

(قلصادی، ۱۹۷۸، ص ۱۴۵)

نتیجه

از بررسی سفرنامه‌های غرب جهان اسلام چنین برمی‌آید که آنان به بقیع، مشاهد و نمادهای اسلامی آن توجه ویژه داشته و این مهم در آثار آنان منعکس شده است. معرفی بقیع و موقعیت جغرافیایی آن و نیز مراقد و مکان‌های زیارتی آن، از جمله مقبره عباس (عموی پیامبر ﷺ) و ائمه بزرگوار شیعه و صحابه و منسوبان به رسول خدا ﷺ و یاد کردن از مزار امامان شیعه، آن هم با القاب معروف در میان شیعیان (مانند سجاد، زین العابدین، باقر و صادق ﷺ) و تصریح به تطهیر اهل بیت ﷺ و توسل به آنان، نمونه‌هایی از فرهنگ اهل بیت ﷺ در سفرنامه‌های غرب جهان اسلام است. نکته مهم دیگر در این سفرنامه‌ها نام نبرد از قبر مطهر حضرت زهرا ﷺ در بقیع است که می‌تواند بیانگر این نکته باشد که قبر آن حضرت در بقیع نبوده یا ناشناخته بوده و تلاشی که امروزه سعی می‌کند قبر فاطمه بنت اسد (مادر امیرالمؤمنین ﷺ) را به نام حضرت زهرا ﷺ معرفی کند، در آن زمان پایه و اساس تاریخی ندارد.

علاوه بر بقیع توجه به مشاهد علویان در مناطق مختلف و معرفی آنان به عنوان اهل بیت، اعتقاد به تطهیر آنان و تصریح برخی به این نکته و نیز تکریم خاندان و اصحاب پیامبر ﷺ و علما و نیز توسل و تبرک جستن به نام و قبور آنان از نکاتی است که در این دسته از آثار مسلمانان این خطه به آن پرداخته شده است.

تحقیق محمد حبیب بن خوجه،
بیروت، دارالغرب الاسلامی، چاپ
اول.

۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۹۹۲)،

الاستیعاب فی معرفة الاصحاب،
تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت،
دار الجیل، چاپ اول.

۷. ابن منظور (۱۹۹۸)، لسان العرب،

بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ
اول.

۸. بقیع، دانشنامه حج و حرمین، ج ۴.

۹. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۶)،

کتاب جمل من انساب الاشراف،
تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر،
چاپ اول.

۱۰. بلوی، خالد بن عیسی (بی تا)، تاج

المفرق فی تحلیه علماء المشرق،
تحقیق حسن السائح، مغرب، صندوق
احیاء التراث الاسلامی.

۱۱. تجیبی، قاسم بن یوسف (۱۹۷۵)،

مستفاد الرحلة و الاغتراب، تحقیق
عبدالحفیظ منصور، چاپ تونس و
لیبی، دارالعربیة للکتاب.

۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین،

دارالهجره.

منابع

۱. آئینه‌وند، صادق و مجتبی گراوند، «شیوه

سفرنامه نویسی در مغرب و اندلس

مطالعه موردی الرحلة المغربية

ابوعبدالله عبدری (قرن ۴ تا ۸ هجری)،

مجله پژوهش‌های تاریخی، سال

چهارم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۰.

۲. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)،

النهاية فی غریب الحديث و الاثر،

چاپ قم، اسماعیلیان.

۳. ابن بطوطه (۱۴۰۷ / ۱۹۸۷)، رحلة ابن

بطوطه تحفة النظر فی غرائب

الامصار و عجائب الاسفار، تحقیق

محمد عبدالمنعم العریان و مصطفی

قصاص، بیروت، داراحیاء العلوم، چاپ

اول.

۴. ابن جبیر (۱۹۸۴)، رحلة ابن جبیر،

بیروت، دار بیروت للطباعة و النشر.

۵. ابن رشید فهري سبتي، ابوعبدالله

محمد بن عمر (۱۹۸۸)، ملء العیة

بما جُمع بطول الغیة فی الوجهة

الوجهة الى الحرمین مکة و طيبة،

١٣. قاصدي اندلسي، ابوالحسن علي
(١٩٧٨)، رحلة القلصادي، تحقيق
محمد ابوالاجفان، تونس، الشركة
التونسيه للتوزيع.
١٤. ناصري طاهري، عبدالله (١٣٨٥)،
مقدمه اي بر تاريخ مغرب اسلامي، قم،
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.